

یادی از

رضا مظلومان

کوروش آریامش

Mahmood's Website



نخستین آرمان او کشیدن دیواری پولادین میان دو فرهنگ در جنگ ایرانی و تازی بود، دیواری که همه بتوانند آن را ببینند. در این راستا او در نوشتارهای خود آیین و فرهنگ نابود شده ایرانیان را به آنها یادآوری می کرد و با سدها سند و بن مایه به آنها نشان می داد که می شود ایرانی اندیشید، ایرانی زندگی کرد، ایرانی نوشت و گفتگو کرد بی آنکه نیازی به گدایی از فرهنگ تازی باشد.



پیشنهاد می کرد که ایرانیان از این پس باید نامهای تازی خود را که یادگار ننگ 1400 ساله است از خود بردارند و نام ایرانی گزینش کنند. او از خود این کار را آغاز کرد. نام شناسنامه ایی خود «رضا مظلومان» را که خود در گزینش آن هیچ نقشی نداشت، به دور انداخت و نام «کوروش آریامنش» را که در راستای اندیشه او بود برگزید.

خسرو خزائی - پردیس

دکتر کورش آریامنش در 17 دی ماه 1314 در شهر مشهد چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در مشهد به پایان رساند و پس از انجام خدمت وظیفه به تحصیل در دانشکده ادبیات تبریز نایل آمد. در سال 1338 لیسانس خود را از آن دانشکده گرفت و ازدواج کرد. پس از تولد تنها فرزندش به همراه همسرش برای ادامه تحصیلات دانشگاهی به پاریس رفت و در سال 1348 مدرک دکتری خود را در رشته جرم شناسی با درجه عالی گرفت.

کورش آریامنش تز دکتری خود را در بررسی جنایت در کشورهای مسلمان انجام داد و تأثیرات عمیق این بررسی جامعه شناسی در کشورهای اسلامی بود که سالها بعد منجر به بنیادگذاری سازمان پاسداران فرهنگ ایران و نوشتن کتابهای متعددی درباره اسلام و جوامع اسلامی و نقش اسلام در عقب افتادگی ایران بود. بعد از بازگشت به ایران به تدریس در دانشکده حقوق پرداخت و دو سال بعد معاون دانشجویی دانشکده حقوق شد.

درفش کاویانی



در سال 1353 رییس صندوق دانشجویان وزارت علوم شد و بابت نظری خویش گروه عظیمی از دانشجویان با استعداد و کم بضاعت را با همکاری کانون دانشجویان برای تحصیل به دانشگاه‌های خارج از کشور فرستاد. در سال 1355 به معاونت وزارت آموزش و پرورش برگزیده شد و تا یک ماه قبل از انقلاب اسلامی در این سمت خدمت میکرد.

علی رغم سن خود ریاست اولین کنگره جهانی جرم شناسی را که چند سال پیش از بهمن 57 با شرکت اساتید جهانی این رشته در تهران گشت به عهده داشت. شادروان چهره‌ای محبوب در میان دانشجویان بود و همیشه در راه آزادی زنان ایرانی و احقاق حقوق قانونی انسانی و ملی ایرانیان کوشا بود.

بعد از انقلاب اسلامی ناچار شد تا سام میهن را ترک گوید و با گرفتن پناهندگی سیاسی در فرانسه مقیم شود. در آنجا بود که او دوست قدیمی و یار خستگی ناپذیر و همفکر خود دکتر آله دالفک را دوبار ملاقات کرد و با هم سازمان پاسداران فرهنگ ایران را در سال 2690 ایرانی برابر 1361 تازی بنیاد گزاری کردند تا گامی در جهت پاسداری از آیین و فرهنگ کهن ایران و مبارزه با خرافه پرستی و جهل مذهبی حاکم بر میهن باشد.

کتابهایی که سازمان پاسداران فرهنگ ایران در طول مبارزات خود انتشار داد از این جمله اند: دو جلد کتاب فرهنگ واژه‌های تازی به پارسی- سنجش فرهنگ پارسی با فرهنگ تازی- دو جلد کتاب گنجینه نامهای زیبا و شکوه آفرین ایرانی- همزمان روزنامه پرخواننده پیام ما آزادگان را چاپ و در سراسر جهان منتشر کرد. دکتر آریامنش همچنین در کنار این فعالیتهای گروهی خودش به نویسندگی و چاپ مشغول بود و کتاب

گرانیهای سنگسار از این نمونه است. درفش کاویانی

سازمان « پاسداران فرهنگ ایران » به هیچ سازمان سیاسی یا ایدئولوژی ویژه ای وابستگی نداشت . تمام اندیشه های سیاسی ، چه سلطنت طلب ، چه جمهوری خواه ، چه چپ و چه راست همه در آن سازمان همزیست شده بودند. تنها آرمان مشترک آنها رهایی ایران از فرهنگ تازی بود. هموندان این سازمان خود را وارث بی چون و چرای زرتشت ، کورش بزرگ، فردوسی ، خیام، مولانا، حافظ و کسروی و رزمندگان شعبیه و هزار فرزندگان می دانستند .

شخص کورش آریا منش هم هیچ ایدئولوژی سیاسی ویژه ای نداشت . نه سلطنت طلب بود، نه جمهوری خواه بود، نه چپ نه راست، تنها یک آتش در درون او زبانه می کشید و آنهم رهایی ایران از فرهنگ و سنت تازیان و بازسازی فرهنگ ایران برای آینده بود. همه می دانستند که اندیشه هایی که او با آن، روشنی و دلاوری ، در حال پخش آن است خطر بزرگی برای جمهوری اسلامی بشمار می رود و همه می دانستند که خود او از همه بهتر می دانست که همین خطر نبر یا زود به سوی او خواهد آمد. ولی او همیشه می گفت: گذشته شدن برای آرمان خود سد چندان بهتر از مردن در تحت خواب یک بیمارستان است. پردیس



جنبش او در دو سو جریان داشت:

آگاهی دادن و سپس نگرگون کردن

دوشنبه شب 7 خرداد 75 در آپارتمان در طبقه هفتم يك ساختمان در منطقه كرتي در جنوب پاریس به ضرب سه گلوله ترور شد. وزارت اطلاعات از سال 71 از جیحونی خواسته بود خودش را به مظلومان نزدیک و با او رابطه برقرار کند. جیحونی با علاقه نشان دادن به نشریه مظلومان و کمک‌ملي به وی، يك رابطه نزدیک با او برقرار کرده و اعتمادش را به دست آورده بود. به همین خاطر احمد جیحونی توانست قاتل را به خانه وی برد.

احمد جیحونی چند روز بعد از ترور در آلمان دستگیر شد و در مهر 75 - اکتبر 96- تحویل فرانسه شد. در فرانسه احمد جیحونی به جرم مباشرت در قتل به 17 سال زندان محکوم شد. بلافاصله پس از دستگیری جیحونی سفارت رژیم در آلمان تقاضای ملاقات و تحویل گرفتن وی را از دولت آلمان کرد که با پاسخ منفي دولت آلمان روبرو شد.

ایران اسرار - علیه بنیادگرایي



هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق